

فقه الکترونیک در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت^۱

۸۳

دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات

الگوی پیشرفت

اسلامی ایرانی

علی اکبر ایزدی فرد^۲

سید مجتبی حسین نژاد^۳

چکیده:

فقه الکترونیک، یکی از مباحث مهم در حوزه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. با توجه به نقش اساسی الکترونیک و اینترنت در پیشرفت جامعه، اهمیت فقه الکترونیک و کاربرد آن در حوزه حقوقی و قانونی و شریعت اسلام بر کسی پوشیده نیست. نگارندگان در این تحقیق پس از بررسی واژگان و مفاهیم کلی و اهمیت فقه الکترونیک و کاربرد آن در حوزه حقوقی و قانونی و شریعت اسلام، به بررسی تطبیقی حکم وضعی و تکلیفی فعل و انفعالات الکترونیکی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که مقتضای قاعده در رابطه با حکم وضعی و تکلیفی اعمال الکترونیکی، همان حکم وضعی و تکلیفی نوعی سنتی از آن است. در نهایت به ادله مشروعیت اعمال الکترونیکی پرداخته و پس از پاسخ به اشکالات مقدر، یعنی مناقشه موضوعی مشروعیت اینترنت و بررسی ادله حکم تکلیفی و وضعی مصادیق و اعمال اینترنتی، به تعمیم حکم به نوع مجازی و الکترونیکی این دسته از اعمال معتقدند.

واژگان کلیدی: فقه، الکترونیک، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اطلاق و عموم، اصالة الفساد،

اصالة الصحه.

۱ این مقاله ماخوذ از پژوهشی است که با حمایت مادی و معنوی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام شده است.

۲ استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران

۳ استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی موسسه آموزش عالی پارسا - بابلسر(نویسنده مسئول)

۱- مقدمه و بیان مسئله

فقه، یکی از شریف‌ترین و گسترده‌ترین علوم و معارف اسلامی است و نقش سازنده آن در زندگی مسلمانان بیش از هر علم و فن دیگر بوده است. در این علم، تمام مسائل و رفتارهای فردی، جمعی، فکری و عملی بشر پیش‌بینی شده است (موسوی خمینی، بی‌تا: ۹۸/۲۱). در عرصه روایات دینی، بر «فقه» و یادگیری مسائل حلال و حرام و نقش بسزای آن در زندگی بشری تأکید شده است، به طوری که سعادت و تکامل بشری در گرو آن است. از جمله، در بعضی از روایات، یادگیری «معالم‌الحلال و الحرام» به عنوان فریضه هر مسلمانی ذکر شده که باید آن را از اهلش فرا گرفت؛ فریضه‌ای که تعلیم آن برای خدا «حسنه»، فراگیری آن «عبادت»، بحث و گفت‌وگو درباره آن «تسبیح»، عمل کردن به آن «جهاد»، یاد دادن آن به کسی که آن را نمی‌داند، «صدقه» و بذل و بخشش آن به اهلش «تقرب الی‌الله» است (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸۸).^۱ در بعضی از روایات، کسانی که نسبت به یادگیری مسائل فقهی بی‌اعتنا و بی‌توجه هستند، به منزله اعراب جاهل بدوی (برقی، ۱۳۷۱: ۲۷۷/۱)^۲ و ستمگران دوران جاهلیت به حساب آمده‌اند. لزوم توجه به فقه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آشکار است. از جمله، در قسمت الف از بند «۶» اصل دوم قانون اساسی، بر نقش اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط تأکید شده است و اصل چهارم به صراحت بیان می‌دارد که تمام قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی بر نقش محوری فقه اسلامی در یافتن حکم دعاوی در موارد سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین تأکید می‌کند.

از طرفی پیشرفت زندگی و طراحی الگو برای آن، از ضروریات زندگی افراد جامعه امروزی تلقی می‌شود. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، از جمله موضوعات مهمی است که جزو برنامه‌های فکری اندیشمندان ایرانی در دهه چهارم انقلاب اسلامی قرار گرفته است. با توجه به اینکه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر اساس اصول معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران می‌پردازد، می‌توان گفت، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی است و اسلامی‌سازی این علوم، مقدمه لازم برای تدوین این الگو است. در این میان، نقش اساسی فضای مجازی و اینترنت در پیشرفت بر کسی پوشیده نیست و اهمیت اینترنت و فضای مجازی را می‌توان در یک نگاه کلی در امکانات شهر الکترونیک که از مصادیق بارز پیشرفت یک کشور به شمار می‌آید، خلاصه کرد. بر این اساس، با توجه به نقش بنیادی فضای مجازی و اینترنت در پیشرفت، لازم است، مباحث فقه الکترونیک در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ارتباط

۱- طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَاطَلِبُوا الْعِلْمَ فِي مَطَانِهِ وَ افْتَسِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنْ تَعَلَّمِهِ لِلَّهِ حَسَنَةٌ وَ طَلَبِهِ عِبَادَةٌ وَ الْمَذَاكِرَةُ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ، وَ تَعْلِيمُهُ مِنْ لَأ يَغْلُمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى)، لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ، وَ مَنَارٌ سُبُلِ الْجَنَّةِ...

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ إِذَا فَأَنْتُمْ أَغْرَابٌ.

بین آن دو، مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا حکم شرعی اعمال در فضای مجازی و شهر الکترونیک روشن شود.

۲- پیشینه تحقیق

یکی از ویژگی‌های این تحقیق، بدیع بودن آن است. با جست‌وجو در سایت‌ها و بانک‌های اطلاعاتی همچون سایت پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و همچنین سایت مجلات از جمله، سایت مگیران، نور مگز و پایگاه استنادی جهان اسلام، روشن می‌شود که درباره این موضوع هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده است. اگرچه درباره حکم شرعی جرائم و پیامدهای منفی اینترنت، همچون حکم سرقت‌های مجازی و همچنین حکم شرعی بعضی از مصادیق مثبت اینترنت، مانند تجارت الکترونیک، پژوهش‌هایی انجام شده، اما در این نوع پژوهش‌ها عمدتاً به صورت موردی درباره حکم شرعی فعل مورد نظر بحث شده و درباره ارائه قاعده و ضابطه استنتاج حکم شرعی اعمال و مصادیق بحثی به میان نیامده است. این در حالی است که در تحقیق حاضر، معیار و ضابطه استنتاج حکم شرعی فعل و انفعالات مجازی و ارتباط بین فقه الکترونیک و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۳- سوالات تحقیق

سوالات اساسی که در این تحقیق مورد مذاقه قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- ۱- مراد از فقه الکترونیک چیست؟
- ۲- مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست؟
- ۳- بین فقه الکترونیک و مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۴- تطبیق حکم وضعی و تکلیفی بر مصادیق اعمال الکترونیک و تطبیق حکم وضعی و تکلیفی چگونه است؟
- ۵- ادله مشروعیت فقه الکترونیک (دلایل حکم وضعی و تکلیفی در فقه الکترونیک) چیست؟

۴- روش تحقیق

شیوه کار نگارندگان در تدوین این تحقیق به صورت مطالعه اسنادی، تحلیل محتوا، روش اجتهادی و از نظر عمیق شدن در پاسخ به سوالات تحقیق و یافتن جواب اشکالات مقدر بر پایه مراجعه مستقیم به منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و مطالعه منابع مختلف فقهی و حقوقی است. در استفاده از منابع، ابتدا مطالب مربوطه به دقت مورد مطالعه قرار گرفت و آنگاه، آنچه قابل استفاده بود، یادداشت شد. سپس یادداشت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت بعد از تجزیه و تحلیل، به شکل حاضر ارائه شد.

۵- تعریف مفاهیم

۵-۱- فقه

واژه فقه در لغت، به معنای ریزبینی و ادراک دقیق است. اگرچه در عبارات دسته‌ای از لغویین فقه به «مطلق فهم» معنا شده است (جوهری، ۱۴۱۸: ۲۲۴۳/۶؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۲۳۰/۸)، اما با مراجعه به بعضی از کتاب‌های لغت به دست می‌آید که واژه «فهم» خود، برابر با مطلق علم و ادراک نیست، بلکه عبارت از ادراک خفی و دقیق است (جزائری، بی‌تا: ۱۷۶) و با نوعی استنتاج و تعقل (ادراک امر عن تعقل و هو الاستنتاج العلمی) (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۲۳/۹) همراه است؛ چنانکه «تفهیم» در مثل «فَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ...» (انبیاء، آیه ۷۹) باری بیش از مطلق تعلیم دارد و وقتی می‌گوییم «به او تفهیم کردم»، مقصود این است که او را به عمق و باطن مطلب رساندم (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۲)، اما در اصطلاح، فقها و بزرگان شیعه از قدما و متأخرین و معاصرین، فقه را چنین تعریف کرده‌اند: «علم به احکام شرعیه فرعیه‌ای که از طریق ادله تفصیلیه به دست می‌آید.» (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۱/۱؛ حلی، ۱۴۱۲: ۷/۱؛ عاملی، بی‌تا، ۳۰/۱).

۵-۲- فضای الکترونیکی (مجازی)

مراد از فضای الکترونیکی، همان فضای مجازی است که با توجه به اینکه فعل و انفعالات در این فضا به واسطه الکترون‌ها انجام می‌شود، به فضای الکترونیکی نیز معروف است. برخی از نویسندگان در تعریف فضای مجازی و سایبری نوشته‌اند: فضای سایبری یا فضای مجازی عبارت است از: «مجموعه‌ای از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی.» شاید بهتر باشد برای تعریف جامع و کامل‌تر، فضای مجازی و سایبری را این گونه تعریف کنیم: «فضای مجازی، محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی در آن به شیوه‌ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، زنده و مستقیم روی می‌دهد.» قید واقعی، مانع از آن است که تصور شود، مجازی بودن این فضا به معنای غیرواقعی بودن آن است؛ چراکه در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج همچون مسئولیت وجود دارد. ضمن اینکه فضای سایبری در واقع محیطی است که ارتباطات در آن انجام می‌شود؛ نه صرف مجموعه‌ای از ارتباطات. از سوی دیگر، این ارتباطات اگرچه ممکن است در همه شرایط آنلاین نباشد، ولی زنده، واقعی و مستقیم است. از اینرو، تاثیر و تاثر زیادی در این روابط رخ می‌دهد (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۴۴).

۵-۳- فقه الکترونیک

گذر زمان و گسترش اسلام در پهنه جهان که با پدید آمدن مسائل و نیازهای جدید توأم بوده، روند حرکت فقاہت را سرعت بخشیده و فقہای هر عصر را به یافتن پاسخ مناسب وادار کرده است. سؤالی که در این میان بسیار مطرح می‌شود، این است که آیا شرایط جدید اقتضا می‌کند تا ما فقه اصیل و سنتی خود را کاملاً رها کنیم و از تمام اصول و چارچوب کلی آن خارج شویم یا می‌توان با حفظ همان چارچوب و تکیه بر آموزه‌های اصیل دینی و فقہی، مسائل نوظهور هر عصر را از آن استنباط کرد؟ بدون شک، پاسخ به مسئله فوق مثبت است و اینجاست که فقه پویا قدم به عرصه وجود می‌گذارد.

جهان دیجیتال که از مصادیق مستحدثه در چند دهه اخیر است، معلول یک تحول عظیم و مهم فناورانه است که مفهوم زمان و مکان را عوض کرده و ارتباط همزمان را برای همگان و در هر زمان فراهم آورده است. این روند، ثبات و تمایزهای هویتی را درون تکثیرها و تغییرها گم کرده و مفهوم دوری و نزدیکی و اینجا و آنجا، در پرتو آن از بین رفته است. این روند، حتی مفهوم این فرهنگ و آن فرهنگ و این هویت و آن هویت را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است. امروزه می‌توان مدعی شد، فضای مجازی و اینترنت در سطحی گسترده با فضای رئال رقابت دارد؛ با این تفاوت که این دنیای مبهم، اما جذاب، روز به روز گسترده‌تر می‌شود، اما دنیای پیرامون ما برای رشد و گسترش، لاقبل به زمان بیشتری نیاز دارد. استفاده از اینترنت به خودی خود ابزار بی‌ضرری است، به طوری که حتی می‌توان گفت، با بسط و گسترش فناوری‌های جدید در زندگی مدرن امروزی، زندگی بدون استفاده از این ابزار و تجهیزات، بسی دشوار است.

بر این اساس می‌توان گفت که فقه الکترونیک و احکام شرعی مربوط به اعمال اینترنتی، از جمله مصادیق فقه پویا است که با در نظر گرفتن مبانی فقه سنتی می‌توان، مسائل آن را حل کرد؛ زیرا اصول فقاہت در فقه سنتی، از چنان پختگی و عمقی برخوردار است که می‌تواند در هر مساله فقہی، موضع و پاسخ خود را اعلان و فقیه را از حیرت و تردید عملی دور کند. تمسک به اطلاق و عموم ادله و امارات، نوع برخورد با تعارض ادله، مراجعه به اصول عملیه و... همگی در جدول‌ها و چارچوب‌های روشنی ریخته می‌شوند و فقیه را در مسیر فقاہت، به‌خصوص در برخورد با مسائل مستحدثه مانند مسائل و انفعالات الکترونیکی، یاری می‌کنند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان فقه الکترونیک را با در نظر گرفتن تعریف ارائه‌شده برای فقه سنتی چنین تعریف کرد: «علم به مجموعه احکام شرعی فعل و انفعالات الکترونیکی واقع در فضای مجازی و اینترنتی که از راه ادله تفصیلی به دست می‌آید.»

۵-۴- الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

همان‌طور که پیداست، انسان در مسیر حرکت زندگی و مشی و منش خود، به طور قطع، نیازمند الگو و برنامه کلی برای حرکت است، بنابراین به طریق اولی و با در نظر گرفتن مفهوم موافق این

حرکت، افراد یگ گروه که مصداق آن، افراد یک کشور هستند، از این نیازمندی مستثنی نیستند و اساساً بدون الگو و طرح کلی، نمی‌توان صحیح و بی‌عیب و نقص حرکت کرد. پس پیمودن مسیر صحیح و رسیدن به وضعیت مطلوب، مستلزم الگو و راهبرد است، بنابراین الگوی پیشرفت یعنی روش، طرح و آرمانی که ما را به جامعه مطلوب برساند.

این آرمان‌ها با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در چهار عرصه تفکر، علم، معنویت و زندگی ظهور پیدا می‌کنند (حصیرچی و نیاوند، ۱۳۹۰: ۶۳).

بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی، پیشرفت فقط جنبه‌های مادی را در بر نمی‌گیرد، بلکه شامل جنبه‌های معنوی رشد و تعالی انسان نیز است. به بیان دیگر، اصطلاح پیشرفت، سعادت بشری را هم در جنبه مادی و هم در بخش معنوی در بردارد (امیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۶). بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مقید به قید اسلامی باشد. قید ایرانی نیز در ترکیب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ناظر به در نظر گرفتن شرایط بومی، در زمینه پیشرفت است. همچنین ناظر به آن است که طراحی الگو توسط متفکران ایرانی و با توجه به مصالح و منافع کشور انجام شود (حصیرچی و نیاوند، ۱۳۹۰: ۷۴).

با در نظر گرفتن این مبانی، باید گفت که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت همزمان با پیدایش مسائل و نیازهای جدید و ملازم نوگرایی در فقه است. گام نخست نوگرایی در فقه، کندوکاو در موضوع احکام است و از همین‌جا نظریه موضوع‌شناسی در فقه پویا قدم به عرصه وجود می‌گذارد. امام خمینی (ره)، فقیه فرزانه می‌فرماید: «اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی بدین معنا نیست که فقه اسلامی پویا نیست...» (موسوی خمینی، صحیفه نور، بی‌تا: ۲۱ / ۹۶). فقه پویا به آن معناست که احکام شرعی به گونه‌ای استنباط شود که پا به پای تحولات و پیشرفت‌های دانش و نیازهای بشری باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۵/۶۹). در نتیجه با در نظر گرفتن مبانی فقه پویا، می‌توان مشکلات شرعی مصادیق الگوی اسلامی - ایرانی را حل کرد.

۶- فقه الکترونیک و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

بی‌شک، شبکه جهانی اینترنت و فضای مجازی که محصول آن است، نماد پیشرفت علم و فناوری است. فضای مجازی عرصه جدیدی برای حیات بشری است که قابلیت پذیرش و انجام بخش عمده‌ای از نیازها، فعالیت‌ها و شئون زندگی بشر و اجتماعات انسانی و حکومت‌ها را داراست و به عنوان سایه فضای واقعی و از طریق تمرکز بر پردازش و جابه‌جایی اطلاعات، توانایی شبیه‌سازی فعالیت‌ها و ساختارهای فضای واقعی را دارد و این شبیه‌سازی را با اثربخشی در فضای واقعی انجام می‌دهد. بر این اساس، نمی‌توان منکر نقش فضای مجازی در عرصه علم و پیشرفت جامعه بشری شد؛ چراکه پیشرفت در هر جامعه‌ای ارتباط تنگاتنگی با فضای مجازی در آن جامعه دارد و از ملزومات آن جامعه به شمار می‌آید.

باید در نظر داشت که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی و اسلامی‌سازی این علوم، مقدمه لازم برای تدوین این الگو است. در واقع علوم انسانی، روش‌ها و نظریه‌های لازم را برای تحلیل وضعیت موجود و تبیین وضعیت مطلوب و ارائه راهبردها فراهم می‌کند. بنابراین هرچه در اسلامی‌سازی علوم انسانی بیشتر پیش برویم، می‌توانیم وجه اسلامی بودن الگوی پیشرفت را افزایش دهیم. البته، منظور همه علوم انسانی نیست، بلکه رشته‌هایی از علوم انسانی مد نظر هستند که با بحث پیشرفت در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... آن تناسب دارند که از جمله این علوم می‌توان به علم فقه و حقوق و ارتباط آن با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اشاره کرد. با توجه به نقش اساسی فضای مجازی و اینترنت در پیشرفت، اهمیت و کاربرد فقه الکترونیک در حوزه حقوقی و قانونی و در شریعت اسلام بر کسی پوشیده نیست. برای روشن شدن بحث به صورت مختصر به اهمیت و کاربرد فقه الکترونیک در حوزه حقوقی و قانونی و شریعت اسلام می‌پردازیم.

۶-۱- کاربرد فقه الکترونیک در حوزه حقوقی و قانونی

در یک شهر الکترونیک که ثمره توسعه دنیای اطلاعات است، همه مراکز دولتی و خصوصی با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و از طریق شبکه‌های متعدد با هم در ارتباط هستند تا بدین وسیله، امکان انجام فعالیت‌های بانکی، تبادلات مالی و تجاری، بهداشتی، آموزشی و خدماتی را به صورت الکترونیک و برخط برای تمامی شهروندان در همه اوقات شبانه‌روز فراهم کنند. این مهم، زمانی تحقق می‌یابد که اطلاعات به صورت مطمئن، با صحت و سقم کامل و با حفظ امنیت و محرمانگی منتقل و نگهداری شود یا در دسترس افراد قرار گیرد (وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات: بی‌تا/۱۱۴) که لازمه این امر، تدوین و اجرای قوانین و مقررات شهرهای الکترونیک جهت برپایی و ایجاد شهر الکترونیک است. با توجه به اینکه قوانین کشور ما بر پایه فقه و ضوابط و معیارهای اسلامی هستند، باید این قوانین، طبق موازین و ضوابط فقه اسلامی و با در نظر گرفتن آن وضع شوند. از اینجاست که اهمیت فقه الکترونیک روشن می‌شود و از آنجا که دنیای الکترونیک به عنوان دنیای مجازی و دنیایی غیر از دنیای واقعی، با پدید آمدن مسائل و نیازهای جدید همراه است، به ناچار باید از فقه پویا کمک جست. بر این اساس، می‌توان گفت که فقه الکترونیک و احکام شرعی مربوط به اعمال اینترنتی از جمله مصادیق فقه پویا است که با در نظر گرفتن مبانی فقه سنتی می‌توان، مسائل آن را حل و سپس قوانین شهر الکترونیک را از آن استنتاج کرد.

۶-۲- کاربرد فقه الکترونیک در حوزه شریعت اسلام

در حوزه حقوقی و قانونی شهر الکترونیک، چاره‌ای جز تدوین قوانین حقوقی، مانند قوانین مربوط به جرائم الکترونیکی، حریم خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، حقوق مصرف‌کنندگان و قوانین تجارت الکترونیک نیست تا شهروندان و مسئولان در چارچوب این قانون عمل کنند، بنابراین تمامی افرادی که

قصد استفاده از امکانات شهر الکترونیک را دارند و وارد عرصه فضای مجازی می‌شوند، باید حکم شرعی اعمال خود را بدانند و میزان و معیار حکم شرعی آن اعمال را بشناسند تا به وظایف شرعی خود در فضای مجازی آگاه باشند.

به عنوان نمونه، شخصی که با چت کردن در فضای مجازی، قصد برقراری ارتباط با شخص دیگری را دارد، باید احکام و حدود شرعی آن را بداند تا این ارتباط مشروع و اسلامی باشد. نمونه دیگر اینکه اگر کاربری هنگام استفاده از اینترنت، با سایت‌ها یا فیلم‌های غیراخلاقی و مبتذل مواجه شود، باید وظیفه شرعی خود را بداند و آگاه باشد. همان‌طور که اجرای مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فضای سنتی هنگام مواجهه با منکرات واجب است، در فضای مجازی نیز اجرای مراتب امر به معروف و نهی از منکر به نحو مجازی، واجب است.

۷- مزایای شهر الکترونیک

چنانچه گفته شد، اینترنت و الکترونیک از عناصر مهم در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هستند و از نگاه صاحب‌نظران حیطه رسانه، آنچه دوران جدید را از دوران گذشته متمایز می‌کند، گردش سریع و آزاد اطلاعات است، تا آنجا که جامعه‌شناسان، عصر جدید را عصر ارتباطات نامیده‌اند. در این میان، نمی‌توان نقش اینترنت و شبکه‌های سایبری را در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نادیده گرفت.

چنانچه روشن شد، ارتباطات به عنوان بستر توسعه در دهه‌های پایانی قرن بیستم در بسیاری از جوامع و کشورها مورد توجه قرار گرفته و توسعه و رشد در این جوامع بر پایه آن استوار شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری، از این دوران با عنوان هرم ارتباطات یاد می‌کنند. گسترش دولت الکترونیک یا شکل‌گیری مقوله‌هایی نظیر شهر الکترونیک، نویدبخش این موضوع است که امروزه ارتباطات در بسیاری از موارد به عنوان ابزار توسعه توصیف می‌شود. استفاده از امکانات رایانه‌ای و به‌طور مشخص‌تر اینترنت برای انجام کارهای تجاری، خدماتی، علمی و پژوهشی، امروزه در دنیا یکی از متداول‌ترین راه‌های دستیابی به اهداف است؛ امری که در پیشبرد هدفی مانند توسعه پایدار و متوازن، مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است. به عنوان مثال، با استفاده از سیستم خرید الکترونیک به میزان قابل توجهی از اتلاف انرژی پیشگیری می‌شود. جهت استحضار خواننده و از باب تقریب ذهن، به چند نمونه کوچک از کاربردها و مزایای اینترنت و الکترونیک در زندگی روزمره اشاره می‌کنیم:

از جمله مزایای بسیار مهم اینترنت، تجارت در فضای الکترونیکی است؛ مزایای تجارت الکترونیکی را به‌طور اجمال می‌توان جهانی کردن تجارت، برداشتن محدودیت‌های زمانی و مکانی در انجام معاملات و تبلیغات، عدم تاخیر در تهیه و ارسال مدارک، کمک به شکست انحصارات، کاهش قیمت، افزایش فروش، افزایش رفاه مصرف‌کننده و رفاه اجتماعی، دسترسی آسان به اطلاعات لازم، کاهش چشمگیر هزینه‌های مبادلاتی، اطلاعاتی، تبلیغاتی و حمل و نقل، سرعت‌بخشیدن به انجام مبادله، تقویت موضع رقابتی کشورها در جهان، بهره‌گیری از فرصت‌های زودگذر در عرصه صادرات، از بین رفتن هزینه‌های

کاغذبازی، حذف واسطه‌ها، افزایش فرصت‌های جدید شغلی، امکان ارائه خدمات و محصولات در سطح جهانی، کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی تولید شده در تردد وسایل نقلیه جهت انجام معاملات حضوری و دریافت پیام‌های الکترونیکی با فاصله کم از فرستنده، حضور شرکت‌های کوچک و متوسط در سطح بین‌المللی و ... برشمرد.

همچنین با پیشرفت علم در فضای مجازی، امروزه می‌توان شاهد بسیاری از اعمال حقوقی دیگر بود که امکان تحقق آن در فضای مجازی است. از جمله آنها، نکاح در فضای مجازی است که از راه‌های مختلفی ممکن است. یکی از آن راه‌ها، انعقاد عقد نکاح از طریق ویدئوکنفرانس است، به این صورت که طرفین عقد در این روش با مشاهده همزمان و آنلاین تصاویر خود و شنیدن صدای یکدیگر، از طریق اینترنت رضایت خویش را اعلام می‌کنند. گرچه ممکن است پاره‌ای از سایت‌ها و پایگاه‌ها با اهدافی نه چندان درست، اشخاص را به یکدیگر معرفی و به هم مرتبط کنند، اما آنچه در این نوشتار و در حال حاضر در صدد تبیین آن هستیم، آوردن مثال‌هایی برای اعمال مجازی است، به طوری که با در نظر گرفتن رعایت مسائل شرعی می‌توانند، از جمله مصادیق مثبت اعمال اینترنتی و مجازی در نظر گرفته شوند.

بهره‌گیری از فناوری ویدئوکنفرانس برای انعقاد نکاح دارای فوایدی است: الف: تسریع در تصمیم‌گیری برای انعقاد نکاح؛ ب: آسانی ارتباط میان افراد (والدین، شهود، متعاقدين)؛ ج: سهولت انعقاد نکاح میان اشخاص در مکان‌های مختلف؛ د: امکان انجام توافقات مقدماتی و مذاکرات پیش از عقد و ه: امکان استیذان از ولی غائب (خورسندیان و شنیور، ۱۳۹۲: ۵۶).

به طور کلی در یک نگاه، مزایای فضای الکترونیک و اینترنت را می‌توان در امکانات شهر الکترونیک خلاصه کرد. بر این اساس، لازم است در مورد این شهر و مزایا و کاربردها و اهمیت آن، توضیحاتی ارائه دهیم.

شهر الکترونیک عبارت از شهری است که در آن اداره امور شهروندان، شامل خدمات و سرویس‌های دولتی و سازمان‌های بخش خصوصی به صورت برخط (online) و به‌طور شبانه‌روزی، در هفت روز هفته با کیفیت و ضریب ایمنی زیاد با استفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن انجام می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت، در شهر الکترونیک تمام خدمات مورد نیاز ساکنان از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی تامین می‌شود. در این شهر اداره‌های دیجیتالی، جایگزین اداره‌های فیزیکی می‌شوند و سازمان‌ها و دستگاه‌هایی همچون شهرداری، حمل و نقل عمومی، سازمان آب منطقه‌ای و ... بیشتر خدمات خود را به صورت مجازی یا با استفاده از امکاناتی که ICT در اختیار آنان قرار می‌دهد، به مشترکین و مشتریان خود ارائه می‌دهند.

در شهر الکترونیک، علاوه بر اینکه شهروندان در شهر مجازی و در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های الکترونیک حرکت می‌کنند، قادرند خدمات جاری خود همچون خریدهای روزمره را از طریق شبکه انجام دهند.

۸- تطبیق حکم تکلیفی و وضعی بر مصادیق الکترونیکی

مقتضای قاعده در رابطه با حکم وضعی و تکلیفی اعمال اینترنتی، دقیقا حکم وضعی و تکلیفی نوع سنتی آن است. به این معنا که اگر عقدی مانند بیع در فضای الکترونیکی با تمامی شرایط صحت انجام شود، به طور قطع دارای حکم وضعی صحت و ملکیت و دارای حکم تکلیفی وجوب وفا است، چنانچه نوع سنتی آن در صورت وجود تمامی شرایط صحت، چنین است. همان طور که اگر عقد بیع در فضای الکترونیکی دارای شرایط صحت نباشد، چون نوع سنتی خود باطل و دارای حکم وضعی فساد و عدم انعقاد ملکیت است. عقود دیگری چون اجاره، مضاربه، نکاح و ... و ایقاعاتی مانند ابراء و ... نیز چنین است.

اعمال دیگری مانند چت و گپ‌زنی‌های اینترنتی و دیگر روش‌های ارتباطی از طریق اینترنت نیز حکمی همچون حکم سنتی خود را دارند، بنابراین در صورتی که به روش مثبت انجام شوند، دارای حکم تکلیفی مانند اباحه هستند. به طور مثال، ارتباط ویدئویی یا دیدن تصاویر از طریق اینترنت فقط در صورتی می‌تواند مباح باشد که نوع سنتی هم‌تراز آن دارای حکم تکلیفی اباحه باشد و چنانچه نوع سنتی هم‌تراز آن دارای حکم تکلیفی حرمت باشد، طبیعتا نوع اینترنتی آن نیز حرام است.

بر این اساس، در رابطه با اعمال اینترنتی، به راحتی می‌توان با توجه به حکم وضعی و تکلیفی اعمال سنتی و فیزیکی هم‌تراز آن، حکم وضعی و تکلیفی آنها را استنتاج کرد. لازم به ذکر است که طبیعتا هم‌ترازی حکم وضعی یا تکلیفی این نوع اعمال اینترنتی با نوع سنتی آن در صورتی است که این اعمال، مصداق سنتی داشته باشند که نوعا نیز دارا هستند. همچنین در تطبیق حکم اعمال سنتی بر حکم اعمال اینترنتی، باید دقت لازم را در وجود شرایط و اجزای مقتضای حکم به کار برد.

به عنوان نمونه، در مورد نکاح می‌توان اشاره کرد، به اعتقاد فقها، نکاح به صورت معاطاتی صحیح نیست، بنابراین اگر نکاح در قالب فعل انجام شود، منعقد نمی‌شود. تقریبا می‌توان نظریه بطلان نکاح معاطاتی را در فقه امامیه مورد اتفاق تمامی فقها دانست، به طوری که تمام صاحب‌نظران در باب نکاح بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تاکید کرده‌اند (عاملی، ۵: ۱۰۸/۱۴۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۰/۱۱؛ حلی، بی‌تا: ۴/۲؛ نجفی، ۲۹: ۱۴۰۴/۱۳۲)، تا آنجا که حتی بعضی از فقها مانند شیخ انصاری در مورد ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول عقد نکاح معتقدند، عقد بدون صیغه ایجاب و قبول چیزی بیش از سفاح (زنا) نیست و در این مقام نگاشته است: همانا فروج با اباحه و با معاطات حلال نمی‌شود و فرق نکاح و سفاح نیز در صیغه است؛ زیرا در سفاح نیز غالبا تراضی است (انصاری، ۱۴۱۵: ۷۷).

با در نظر گرفتن مطالب فوق، نکاح در فضای مجازی در صورتی که بدون اجرای صیغه عقد انجام شود و رضایت طرفین صرفا از طریق فعل افراد باشد، نمی‌تواند صحیح در نظر گرفته شود.

۹- مبانی و ادله مشروعیت فقه الکترونیک

پس از روشن شدن حکم تکلیفی و وضعی اعمال واقع در فضای مجازی اینترنتی، لازم است، به بررسی مبانی و ادله حکم تکلیفی و وضعی اعمال الکترونیکی پرداخته شود. اگر فضای مجازی را به عنوان بازتابی از عملکردهای جهان واقعی دانست، بدون شک به راحتی می‌توان احکام تکلیفی و وضعی اعمال واقع شده در فضای مجازی را به دست آورد. بنابراین مهم‌تر از همه اثبات این بازتاب و همترازی حکم اعمال فضای مجازی با حکم نوع سنتی و کلاسیک این گونه اعمال است. دلیل مقیاس قرار دادن حکم وضعی و تکلیفی اعمال سنتی و کلاسیک، اطلاقات ادله و تنقیح مناط است که اینک به طور مفصل‌تر به بررسی این دو دلیل می‌پردازیم. قبل از تبیین این دو دلیل، توجه به این نکته مهم لازم است که بررسی حکم وضعی و تکلیفی فعل و انفعالات اینترنتی که مزایای بی‌شماری دارد، متوقف بر اثبات مشروعیت استفاده از اینترنت است، یعنی اثبات حکم وضعی و تکلیفی این دسته از اعمال اینترنتی، متوقف بر نتیجه‌ای است که از دو مقدمه ذیل استنتاج می‌شود:

مقدمه اول: آیا مقتضی برای مشروعیت اینترنت وجود دارد؟

مقدمه دوم: به فرض وجود مقتضی مشروعیت اینترنت، آیا رخدادهای اینترنتی قابلیت انصاف به حکم تکلیفی و وضعی اعمال سنتی همتراز خود را دارند، به طوری که هیچ مانعی برای جریان آن وجود نداشته باشد؟

با اثبات دو مقدمه فوق، به راحتی می‌توان حکم وضعی و تکلیفی اعمال اینترنتی را اثبات کرد.

در صورت اثبات نکردن مقدمه اول، یعنی عدم اثبات مشروعیت اینترنت یا اثبات حرمت استفاده از اینترنت، با در نظر گرفتن رعایت طولی ادله، نمی‌توان به بحث از مقدمه دوم و اثبات همترازی حکم اعمال اینترنتی و نوع سنتی آن پرداخت؛ زیرا بدیهی است که بحث از اثبات حکم، پس از اثبات موضوع یعنی مشروعیت اینترنت است و در صورت فقدان موضوع، بحث از اثبات همترازی حکم اعمال اینترنتی و نوع سنتی آن، به طوری کلی منتفی است.

بر این اساس، قبل از اثبات همترازی حکم اعمال اینترنتی و نوع سنتی آن، لازم است مناقشه موضوعی درباره مصادیق اعمال مجازی در فضای اینترنتی و پاسخ آن مورد بررسی قرار گیرد.

۹-۱- مناقشه موضوعی در رابطه با اعمال الکترونیکی

ممکن است، گفته شود در جنبه‌های مثبت، اگرچه اینترنت جزء جدایی‌ناپذیر نهادهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و خانوادگی به شمار می‌آید، اما با وجود چنین کارکردهای مثبتی، دارای نقاط تاریک و پیامدهای منفی نیز است که از جمله آنها همان‌طور که گفته شد، می‌توان به هرزه‌نگاری و بی‌بندوباری اخلاقی و تحریک جنسی و قوادی، اشاعه فحشا، سرقت و افساد و قتل اشاره کرد. بنابراین با در نظر گرفتن چنین پیامدهای منفی، چه بسا امر به معروف و نهی از منکر، مقتضی قطع اینترنت به دلیل بیم استفاده نامطلوب از آن است. بر این اساس، با توجه به پیامدهای منفی اینترنت، بر حسب

مفاد ادله امر به معروف، مشروعیت اینترنت منتفی است و اینترنت نمی‌تواند به عنوان موضوع مشروع پذیرفته شود.

در جواب این مناقشه می‌توان گفت، استفاده صحیح از ابزارهای ارتباطی همچون اینترنت، برای اغراض عقلانی و علمی منعی ندارد؛ زیرا:

اولاً، همان‌طور که درباره مزایای استفاده از اینترنت اشاره شد، فضای سایبری عرصه جدیدی برای حیات بشری است که قابلیت پذیرش و انجام بخش عمده‌ای از نیازها، فعالیت‌ها و شئون زندگی بشر و اجتماعات انسانی و حکومت‌ها را دارد و به عنوان سایه فضای واقعی و از طریق تمرکز بر پردازش و جابه‌جایی اطلاعات، توانایی شبیه‌سازی فعالیت‌ها و ساختارهای فضای واقعی را دارد و این شبیه‌سازی را با اثربخشی در فضای واقعی انجام می‌دهد. کارکردهای مثبت اینترنت را می‌توان در محورهایی همچون توسعه اقتصادی، همگرایی اجتماعی و مهم‌تر از همه، دانش و کسب مهارت‌های جدید طبقه‌بندی کرد.

بر این اساس، با توجه به مزایای اینترنت می‌توان گفت، استفاده از اینترنت، مشمول اطلاق ادله آیات (فاطر، آیه ۲۵؛ بقره، آیه ۲۶۹؛ انعام، آیه ۱۲۲؛ زمر، آیه ۹) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳/۱-۳۰) درباره ترغیب به علم و دانش است و چه بسا از این جهت که انسان مکلف به احیا و آبادی زمین و حفظ نعمت‌های الهی مانند انسان، حیوان، گیاهان و ... است، بنابراین ملزم به فراگیری علوم و دانشی است که وی را به این مهم رهنمون می‌کند.

بجاست، تبیین این مطلب را با سخن علامه حلی (ره) در بیان اقسام علم به پایان ببریم.

«فراگیری علم یا بر انسان واجب عینی است یا واجب کفایی یا مستحب است یا حرام.

۱. علمی که آموختنش بر هر انسان واجب است، آن علم خداشناسی، اثبات نبوت پیامبر (ص) و امامت و معاد است. این نوع علم تقلیدبردار نیست، بلکه باید با دلیل و برهان باشد؛ یعنی اثبات خداوند واجب‌الوجود، نبوت پیامبر و عصمتش، امامت ائمه (ع) و اعتقاد به معاد، باید با دلیل و برهان باشد، نه از روی تقلید.

۲. علمی که فراگیری آن واجب کفایی است؛ عبارت است از: علم اصول فقه، کیفیت استدلال و اقامه برهان و علم طب برای معالجه انسان‌ها، علم ریاضی به جهت نیاز در معاملات و تقسیم ارث و ...

۳. دانشی که تعلیمش مستحب است، هر دانشی است که مردم به اندازه نیاز جامعه به فراگیری آن مشغول‌اند؛ یعنی به اندازه کافی متخصص در آن رشته وجود دارد.

۴. علم حرام، هر علمی است که آموختنش، به جهت قبح و ضررش از طرف شارع نهی شده است؛ مثل سحر، کهانت، قیافه و ... (حلی، ۹: ۱۴۱۴/۳۷-۳۶).

با توجه به اینکه اینترنت جزء جدایی‌ناپذیر نهادهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و خانوادگی است، همان‌طور که به تفصیل بیان شد، بی‌شک روی آوردن به اینترنت، جزو قسم اول است،

البته در صورت نداشتن متخصص به اندازه کافی یا جزو قسم دوم است، البته در صورتی که متخصص به اندازه کافی در این زمینه وجود داشته باشد.

بنابراین قطع کردن اینترنت که از جمله پدیده‌هایی به شمار می‌آید که علاوه بر منافع حرام، دارای منافع عقلایی قابل توجه است، تضييع حقوق مردم است و بیم و بهانه احتمال استفاده نامطلوب برخی از اقشار جامعه از این فناوری، نمی‌تواند مجوز قطع آن باشد. غرض از ایجاد اینترنت، فقط از آن باب است که جزو لاینفک پیشرفت علم و نماد پیشرفت علم تلقی می‌شود، اگرچه ممکن است برخی افراد، از آن استفاده منفی کنند، اما نمی‌توان با در نظر گرفتن استفاده منفی این افراد، آن را قطع کرد. بنابراین استفاده صحیح و مشروع از اینترنت، مانند بسیاری از فناوری‌های جدید جایز است.

ثانیا، سیره عقلا نیز می‌تواند با توجه به اهمیت اینترنت در عصر حاضر به جواز استفاده از اینترنت حکم کند. البته ممکن است، گفته شود از جمله شرایط حجیت بنای عقلا آن است که مورد تقریر و تایید شارع قرار گیرد و از ناحیه او ردعی صورت نگرفته باشد، در حالی که در مقام بحث، موضوع (فضای سایبری) در زمان شارع مقدس وجود نداشته است تا بتوان اثبات کرد که سیره عقلا مورد تأیید و عدم ردع شارع قرار می‌گیرد یا خیر.

در جواب گفته می‌شود، مطابق با نظر مشهور اگرچه همزمانی و معاصر بودن با عصر شارع به عنوان یکی از شروط حجیت بنای عقلا است، اما در اثبات معاصر بودن مزبور باید گفت، اگر معصوم بنای عقلا را ردع کرده باشد، باید چنین ردعی به دست ما رسیده باشد و حال آنکه چنین نیست و علاوه بر آن، امضایی که از سکوت معصوم به دست می‌آید، بر مبنای آن نکته ثابت عقلایی در بنای عقلا است، نه بر اساس سلوک فعلی عقلا در آن عصر. از اینرو ظاهر از حال معصوم(ع) این است که بنای عقلا را امضای کبروی کرده و اختصاص به زمان قرار نداده است. بنابراین نفس وجود طبع عقلا به شرط عدم ردع از طرف شارع، برای اینکه کشف کنیم، شارع مقتضای آن طبع عقلایی را امضا کرده، کفایت می‌کند. پس اگر طبع و ارتکاز عقلایی که پایه آن رفتار است، بتواند مبنا و پایه رفتارهای دیگری نیز که در زمان شارع به دلیل نداشتن موضوع یا هر دلیل دیگری وجود نداشته‌اند، قرار گیرد، در این صورت آن رفتارهای دیگر نیز دارای حجت شده و معتبر می‌شوند؛ چرا که پایه آنها که همان ارتکاز و طبع فراگیر عقلایی بوده، در زمان شارع تایید و تقریر شده است (صدر، ۱۴۱۸: ۲۶۴/۱؛ صدر، بی‌تا: ۲۴۷/۴؛ مجمع فقه اهل البیت، ۳۳۶: ۱۴۲۳-۳۳۵).

۹-۲- ادله حکم تکلیفی و وضعی مصادیق الکترونیکی

پس از بیان مناقشه موضوعی در رابطه با اعمال الکترونیکی، به بیان ادله حکم تکلیفی و وضعی اعمال الکترونیکی می‌پردازیم که عبارتند از:

۹-۲-۱- اطلاق و عموم ادله

اطلاق ادله آیات و روایات وارده در رابطه با اعمال سنتی و کلاسیک، مقتضی تعمیم حکم به نوع مجازی و اینترنتی این دسته از اعمال است.

تبیین این مطلب بدین تقریب است:

همان‌طور که پیداست، از جمله ادله اجتهادیه که در ابواب گوناگون فقه، مورد استفاده فقها است و فواید و فروع گوناگونی بر آن مترتب می‌شود، «اطلاق» است و از آنجا که این دلیل، مبتنی بر بنای عقلا و مورد امضای شارع است (مظفر، ۱۴۳۰: ۷۶-۷۷/۱؛ مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴: ۵۷)، هیچ‌کس در حجیت و اعتبار آن، مناقشه نکرده است.

با حفظ مطلب فوق، در مسئله حاضر نیز با در نظر گرفتن اطلاق روایات و آیات وارده در رابطه با حکم اعمال کلاسیک و نوع سنتی از مصادیق اینترنتی و ورود آن روایات و آیات به نحو قضایای حقیقیه، به راحتی می‌توان حکم مصادیق اینترنتی را اثبات کرد. مثلاً در رابطه با تجارت الکترونیک، از آنجا که وقوع نوع سنتی و کلاسیک هم‌تراز با آن در خارج با رعایت تمامی شرایط بر حسب مقتضای آیاتی همچون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، آیه ۱) و روایاتی همچون روایت «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰/۱۱۵) که به نحو قضایای حقیقیه وارد شده‌اند، وفای به آن دارای حکم تکلیفی وجوب و دارای حکم وضعی صحت است، با توجه به اطلاق این آیات و روایات می‌توان تجارت الکترونیکی را در صورت وجود تمامی شرایط، دارای حکم تکلیفی وجوب و دارای حکم وضعی صحت دانست.

همچنین در رابطه با عقود همچون نکاح نیز آنچه از اطلاق آیاتی مانند آیه ۳ سوره نساء^۱ و آیه ۳۲ سوره نور^۲ بر می‌آید، با توجه به ورود آنها به نحو قضیه حقیقیه، حلیت و صحت انعقاد نکاح، به هر شکل منطقی و عقلانی مورد پذیرش عرف است و وقوع آن به صورت سنتی و کلاسیک نمی‌تواند خصوصیتی داشته باشد، بنابراین با توجه به اینکه خداوند پس از مشروعیت و حلیت نکاح، شیوه خاصی را برای آن بیان نکرده، بدون تردید چگونگی آیین آن به عرف واگذار شده و به تبع آن انعقاد آن از طریق اینترنت در دنیای مجازی به دلیل پذیرش آن نزد عرف، همچون نوع سنتی از خود حلال و صحیح است.

بدون شک، چنانچه در تبیین مزایای شهر الکترونیک گذشت، مهم‌ترین مزایای شهر الکترونیک، وقوع کثیری از معاملات الکترونیکی در فضای مجازی است، بنابراین لازم است اصل اولی و ثانوی در این دسته از اعمال الکترونیکی به طور دقیق مشخص شود تا هنگام شک در صحت این دسته از معاملات و قراردادهای الکترونیکی به این اصل تمسک شود. با توجه به اینکه اصل ثانوی در معاملات

۱- فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنِي وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْوِلُوا.

۲- وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

چنانچه تبیین آن خواهد آمد، ماخوذ از عمومات و اطلاقات ادله است، بنابراین اصل اولی و ثانوی را با عنوان دلیل اطلاقات ادله آورده‌ایم.

۹-۲-۱-۱- اصل اولی در معاملات

اصل اولی در باب معاملات، فساد است؛ یعنی اگر در صحت معامله‌ای شک شود، حکم به فساد آن معامله می‌شود، اعم از اینکه منشا شک، جهل به وجود آن معامله در زمان شارع باشد یا اینکه منشا شک به امضا یا تایید شارع برگردد، زیرا صحت معامله از آنجا که به عنوان امر توقیفی در نظر گرفته می‌شود، نیازمند امضای شارع است، بنابراین اگر معامله جدیدی انجام و در صحت آن شک شود، با توجه به اینکه این معامله حادث است و در زمان قدیم نبوده است، اکنون که در صحت آن شک داریم، بنابر استصحاب عدم تحقق آن معامله و عدم جعل صحت و اثر مقصود بر آن معامله گذاشته می‌شود و به عبارتی آثار هر عقد، امور حادثی هستند که همه مسبوق به عدم‌اند و مقتضای استصحاب حالت سابقه، عدم تحقق اثر آنهاست (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۷۶/۲۳؛ بهبهانی، ۱۴۱۹: ۲۹۷؛ میرزای قمی، ۱۴۲۷: ۲۳۲/۱؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۱۳).

با در نظر گرفتن تقریر فوق، می‌توان اصل اولی در معاملات الکترونیکی را با توجه به مستحدثه بودن آنها، فساد و بطلان آن معاملات دانست.

۹-۲-۱-۲- اصل ثانوی در باب معاملات

در برابر این اصل، اصل دیگری نیز قرار گرفته است که به اصالة الصحة تعبیر می‌شود. مستفاد از این اصل که منظور از آن در بحث حاضر اصالة الصحة به معنای وضعی است، به این صورت است که باید رفتار فرد مسلمان را به نوعی تفسیر کنیم که از آن آثار صحیح شرعی به بار آید. این اصل مقدم بر اصالة الفساد است؛ یعنی اگر معامله‌ای واقع شود و در تحقق عرفی آن شک نشود و دلیلی چون غری بودن، ربوی بودن یا اکل مال به باطل بودن بر بطلان آن معامله وارد نشود، با توجه به عمومات لفظی نظیر «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱۱) و «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره، ۲۷۵)، به صحت آن معامله حکم می‌شود؛ خواه اینکه آن معامله در زمان قدیم نیز وجود داشته باشد یا از معاملات مستحدثه در زمان حاضر باشد (نراقی، ۱۴۲۲: ۱۵-۱۴). این اصل تقریباً مورد قبول فقها است، به طوری که حتی امامانی پس از آوردن تقریر مذکور، ادعای اجماع محصل و منقول بر شمرده شدن این اصل از اصول ثانویه می‌کند (مامقانی، ۱/۹۱۳۱۶) و مولی محمد نراقی آن را ظاهر عبارات اکثر فقها و معروف بین آنها می‌داند (نراقی، ۱۴۲۲: ۱۴).

با توجه به این اصل، در صورتی که در صحت معامله از جهت وجود شرط یا مانعی شک حاصل شود، بنابر صحت گذاشته می‌شود. چنانچه مراغی در این زمینه نوشته است: «فکلما یسمی عقداً لوشک فی صحته و فساد هل فقد مایحتمل کونه شرطاً او کونه مانعاً یحکم بالصحة لدخوله تحت العموم؛ یعنی

هرآنچه را که عقد نامند، هرگاه در صحت و فساد شبه جهت احتمال فقدان شرط یا احتمال وجود مانع تردید کنند، صحیح می‌شمارند، زیرا داخل در عموم وفای به عقود قرار می‌گیرد» (مراغی، ۱۴۱۷: ۱۳/۲). بنابراین در صورتی که در صحت معاملات الکترونیکی از جهت فقدان شرط یا وجود مانعی شک حاصل شود، با توجه به اجرای این اصل، می‌توان حکم صحت معاملات الکترونیکی را استنتاج کرد. در مسئله حاضر، منشا شک در صحت یا فساد معاملات الکترونیکی، شک در چگونگی حکم است، از اینکه معاملات الکترونیکی در زمان شارع مقدس وجود نداشته است، در فرض وقوع در صحت و فساد آن تردید حاصل می‌شود که در این صورت می‌توان مورد را از موارد شبهات حکمیة دانست. در شبهات حکمیة، اصل صحت بر اصاله‌الفساد که مقتضای استصحاب است، مقدم است؛ چراکه این تعارض بدوی بوده و با وجود اماره‌ای چون اصل صحت نوبت به اصول عملیه‌ای چون اصل استصحاب نمی‌رسد و دلیل اصل صحت بر اصل استصحاب حکومت یا ورود دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۰۴)؛ زیرا تردید در بقای حالت سابقه (عدم انتقال) ناشی از تردید در کارایی و تأثیر عقد انجام شده است و با اجرای اصل صحت در مورد معامله، تردید در ناحیه معلوم رفع و حکم به انتقال می‌شود. حتی اگر اصل صحت در زمره اصول دانسته شود، باز هم مقدم بر اصاله‌الفساد می‌شود؛ چراکه اگر اصل صحت بر استصحاب مقدم نشود، موردی برای اصل صحت باقی نمی‌ماند، در حالی که عکس قضیه چنین نیست، یعنی با تقدم اصل صحت بر استصحاب، این محذور پیش نخواهد آمد؛ زیرا مجاری اصل صحت بسیار محدودتر از مجاری استصحاب است، بنابراین با توجه به اینکه اصل صحت مسلماً حجیت یافته، ادله مزبور مخصص دلیل استصحاب محسوب می‌شود و در موارد اجتماع، استصحاب جاری نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۵/۱۴۱۱:۱).

چنانچه پیداست، تمسک جستن به این اصل متفرع بر احراز عنوان معامله مورد نظر است (همان/۱۲۸)؛ زیرا اساس و بنیان اجرای این اصل، تمسک به عموماتی همچون «اوفوا بالعقود» است و تمسک به عمومات تنها در صورت احراز عنوان میسر است. به عبارت دیگر، با استناد به اصل صحت در عقود نمی‌توان اصل وجود معامله را اثبات کرد؛ زیرا معلوم نیست، معامله انجام‌شده مصداق عنوان عقد باشد تا بتوانیم به عمومات و اطلاقات تمسک کنیم و هیچ دلیلی از قبیل «اوفوا بالعقود» و «احل الله البیع» و امثال آن نمی‌تواند موضوع خود را اثبات کند. اصولیین در جای خود اثبات و بیان کرده‌اند که تمسک به عام در مورد شک موضوعی، تمسک به عام در شبهه مصداقیه است که صحیح نیست؛ چراکه هیچ دلیلی نمی‌تواند برای خود، موضوع درست کند، بلکه کار هر دلیل، بیان موضوعی است که موضوعیت آن از خارج محرز و مسلم شده است. با حفظ این مطلب، در بحث حاضر، از نگاه عرفی قراردادهای و معاملات الکترونیکی ماهیتی مستقل و جدا از نوع سنتی خود ندارند، بلکه اگر در قالب بیع، اجاره، صلح و مضاربه واقع شوند، مثل آن است که نوع سنتی این قراردادها در خارج تحقق یافته است، بنابراین ماهیت آنها از نگاه عرفی محرز است، در نتیجه با احراز عنوان معامله الکترونیکی مورد نظر از نگاه عرف، می‌توان به عمومات لفظی تمسک جست. حتی اگر در نپذیرفتن این مطلب پافشاری و گفته

شود، چه بسا از آنجا که معاملات الکترونیکی هیچ سابقه‌ای در عرف عصر تشریح ندارند، احتمال دارد که الکترونیکی بودن معاملات به سبب ملزوماتی که در پی دارد، به عنوان مانعی برای تحقق ماهیت عقد مورد نظر شمرده شود و به تبع آن، با توجه به دخالت این امور در تحقق ماهیت عقد، نمی‌توان به عموماً لفظی تمسک جست. در پاسخ می‌توان گفت، حکم صحت برای معاملاتی مانند بیع، اجاره، صلح، مضاربه و ... ثابت است، اعم از اینکه در قالب سنتی رخ دهد یا به نحو الکترونیکی و مجازی انجام شود و فقط در صورت وقوع معامله به نحو الکترونیکی، حالت ظاهری بیع تغییر یافته است که در این شرایط، می‌توان با توجه به بقای موضوع کلی معامله مورد نظر از نظر عرفی، هنگام شک در بقای حکم صحت آن معامله، حکم سابق صحت را استصحاب کرد. این استصحاب نیز مقتضی عدم تاثیر الکترونیکی بودن به عنوان مانعی برای صحت است. لازم به ذکر است که با توجه به این تقریر، نمی‌توان استنتاج عدم مانعیت الکترونیکی بودن معامله را به عنوان اصل مثبت استصحاب حکم صحت دانست؛ چرا که عدم مانعیت مانع احتمالی عین و عبارت اخری مستصحب یعنی بقای حکم صحت با وجود مانع احتمالی است، نه اینکه به عنوان لازمه عقلی مستصحب در نظر گرفته شود. بنابراین با استصحاب حکم صحت، در صورت شک در مانعیت می‌توان عدم تاثیر قالب الکترونیکی بودن معامله را به عنوان مانعی بر صحت استنتاج کرد (برای تبیین استصحاب حکم صحت در صورت شک در مانعیت، ر.ک: حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۰). گذشته از اینکه به حکم عقل در صورت شک در تاثیرگذاری مانع مشکوک با وجود شرایط تاثیر برای حدوث امری، مانع مشکوک نمی‌تواند به عنوان مانع برای ترتیب آثار مقتضی شمرده شود و ذات ممکنات مقتضی عدم تاثیر آن موانع مشکوک بوده، مگر اینکه دلیل قطعی بر تاثیر آن موانع باشد (مجتهد تبریزی، ۱۳۱۷: ۲۵۷).

۹-۲-۲- تنقیح مناط

دلیل دومی که می‌توان در بسیاری از موارد در استنتاج حکم تکلیفی و وضعی اعمال اینترنتی از آن بهره جست، تنقیح مناط است. تنقیح مناط گرچه در صورتی که ظن آور باشد، همچون قیاس مستنبط العلة ارزشی ندارد، اما در صورتی که قطعی باشد، از باب طریقیقت ذاتی قطع، حجت است (برای تفصیل این مطلب، ر.ک: بهبهانی، ۱۴۲۱: ۲۹۴؛ میرزای قمی، ۲: ۸۵/۱۴۳۰؛ نجفی، ۳۹: ۳۱۰/۱۴۰۴؛ انصاری، ۱۴۰۴: ۲۶۵).

حال با در نظر گرفتن نکات بیان شده، به راحتی می‌توان از باب تنقیح مناط، در بسیاری از موارد حکم تکلیفی و وضعی اعمال الکترونیکی را استنتاج کرد. از باب نمونه، درباره بیع و تجارت الکترونیکی که از جمله مزایای اینترنت محسوب می‌شوند، می‌توان از راه تنقیح مناط حکم تکلیفی و وضعی آن را استنتاج کرد.

توضیح اینکه قرآن کریم رعایت عهد را در همه معانی آن و همه مصادیقی که دارد، مورد تاکید زیاد قرار داده و کسانی را که عهد و پیمان‌شان را می‌شکنند، به شدیدترین بیان مذمت کرده و به وجهی

عنیف و لحنی خشن تهدید کرده و کسانی را که پایبند وفای به عهد خویشند، در آیاتی بسیار مدح و ثنا کرده و آیات به قدری زیاد است که حاجتی به ذکر آنها نیست. لحن آیات به گونه‌ای است که بر این دلالت می‌کند که خوبی وفای به عهد و زشتی عهدشکنی از فطریات بشر است و واقع هم همین است. حسن وفای به عهد و قبح نقض عهد از فطریات بشر است و انسان در زندگی فردی و اجتماعی بی‌نیاز از عهد و وفای به آن نیست (ر.ک: مائده، آیه ۱؛ بقره، آیه ۱۰۰؛ آل عمران، آیه ۷۶؛ رعد، آیه ۲۰؛ اسراء، آیه ۳۴ و ...).

همچنین احادیث زیادی نیز مرشد به بیانات فوق است. حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «در آنچه به عهد گرفته‌ای، خیانت نکن و به عهد خود وفا کن» (شریف‌الرضی، بی‌تا، نامه ۵۳). این حضرت در فرازی دیگر می‌فرماید: «از اینکه به آنها وعده دهی و سپس تخلف کنی، بر حذر باش ... خلف وعده، موجب خشم خدا و خلق است» (شریف‌الرضی، بی‌تا: نامه ۵۳).

در حدیثی از حضرت علی(ع) آمده است که فرمود: «در جهنم شهری است به نام حصینه، آیا از من نمی‌پرسید، در آن شهر چیست؟ کسی عرض کرد: ای امیر مؤمنان! در آن شهر چیست؟ فرمود: دست‌های پیمان‌شکنان» (مجلسی دوم، ۱۴۱۰: ۱۸۶/۶۷).

در روایتی هشام بن سالم گوید: «از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود: وعده مؤمن به برادر دینی خود نذری است که کفاره ندارد، پس هر که به آن وفا نکند، به مخالفت وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته است. این است گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنانی می‌گویید که به کارشان نمی‌بندید؟ خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویید و به جای نیاورید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۸/۴).

بر این اساس، از آنجا که مناسبات وفای به عقود و تعهدات، ثبات امنیت، ایجاد اعتماد، امرار معاش و ... است و وقوع این عهد و پیمان‌ها در فضای سنتی و کلاسیک نمی‌تواند هیچ خصوصیتی داشته باشد، بدون شک مناسبات فوق در عهدها و عقود جاری در فضای مجازی نیز وجود دارد. بنابراین از راه تنقیح مناسبات می‌توانیم، حکم تکلیفی و وضعی عقود و تعهدات واقع در فضای مجازی را استنتاج کنیم.

همچنین در خصوص عقد نکاح از طریق اینترنت، باید گفت، با توجه به آیه ۲۱ سوره روم^۱ و آیه ۱۸۷ سوره بقره^۲، از جمله اهداف انعقاد نکاح، ایجاد مودت، رحمت و احساس آرامش است. وسایل و ابزارهای الکترونیکی نیز می‌تواند با شرایط خاصی اهداف مزبور را محقق کند و تغییری با مقاصد شریعت از نکاح ندارد (خورسندیان و شنیر، ۱۳۹۲: ۶۰).

۱- مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.
 ۲- حُلِّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ ...

۱۰- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب عنوان‌شده در این تحقیق می‌توان گفت؛

اولاً، از آنجا که نقش اساسی فضای الکترونیکی و اینترنت در زندگی اجتماعی و عرصه‌های علمی و فنی، به عنوان نماد پیشرفت علم و فناوری و قابلیت داشتن آن برای پذیرش و انجام بخش عمده‌ای از نیازها و به طوری کلی در پیشرفت و راهبرد جامعه، امری انکارناپذیر است، کاربرد فقه الکترونیک نیز بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه در حوزه حقوقی و قانونی فضای مجازی، چاره‌ای جز تدوین و تنظیم قوانین حقوقی- چون قوانین مربوط به جرائم الکترونیکی، حریم خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، حقوق مصرف‌کنندگان و قوانین تجارت الکترونیک- در فضای مجازی و الکترونیکی نیست تا بتوان به قدرت سایبری تبدیل شده و محیط الکترونیکی قانونمندی را توسعه داد. بدون شک با در نظر گرفتن اسلامی بودن الگوی پیشرفت، چاره‌ای نیست که این قوانین از فقه شیعه استنباط و با میزان دانستن معیارها و ملاک‌ها و قواعد آن تدوین شوند. همچنین صرف نظر از تدوین این قوانین در فضای الکترونیکی، لازم است کاربران در فضای الکترونیک حکم شرعی اعمال خود را بدانند و با آگاهی از مبنا و میزان حکم تکلیفی و وضعی مصادیق اعمال مجازی، وظایف شرعی خود را در حوزه فضای مجازی بدانند. بنابراین با توجه به دخالت فعل و انفعالات فضای الکترونیکی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و به تبع آن تدوین قوانین مناسب در حوزه فضای الکترونیکی و از طرف دیگر، با توجه به اینکه باید حکم تکلیفی و وضعی این رخدادهای الکترونیکی روشن شود، می‌توان، به ارتباط بین فقه الکترونیک و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پی برد. بر این اساس، با در نظر گرفتن کاربرد فقه الکترونیک در حوزه حقوقی و قانونی و حوزه شریعت اسلام، لازم است مباحث فقه الکترونیک در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

ثانیاً، نمی‌توان با توجه به پیامدهای منفی اینترنت، استفاده از آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر جایز ندانست؛ زیرا مقتضای اطلاق ادله ترغیب به علم که دلیل عقلی می‌تواند موید آن باشد و همچنین بنای عقلا، جواز استفاده از اینترنت است و به تبع آن قطع اینترنت، دخالت در سلطه مردم و تضييع حقوق آنهاست و بیم و بهانه احتمال استفاده نامطلوب برخی نمی‌تواند مجوز چنین دخالت‌هایی شود.

ثالثاً، مقتضای قاعده در رابطه با حکم وضعی و تکلیفی اعمال اینترنتی، با در نظر گرفتن اطلاق ادله و تنقیح مناط، دقیقاً حکم وضعی و تکلیفی نوع سنتی آن است. طبیعتاً همترازی حکم وضعی یا تکلیفی این نوع اعمال اینترنتی با نوع سنتی آن، در صورتی است که این اعمال، مصداق سنتی داشته باشند که نوعاً نیز دارا هستند. همچنین تطبیق حکم تکلیفی و وضعی اعمال سنتی بر حکم اعمال اینترنتی، فقط در صورتی است که بتوان شانیت شرایط احکام تکلیفی و وضعی اعمال سنتی را در نوع اینترنتی آن اثبات کرد که در غالب موارد نیز می‌توان به چنین اثباتی دست یافت. بنابراین در صورتی

که در بعضی از موارد در اعمال اینترنتی، شرایط مقتضی حکم مانند حکم اعمال سنتی وجود نداشت، نمی‌توان حکم اعمال سنتی را با حکم اعمال اینترنتی تطبیق داد.

پیشنهاد نگارندگان

پیشنهاد می‌شود که با توجه به تغییر و تحول جامعه به سمت دنیای مجازی، همراه با راه‌اندازی آموزش کاربردهای فضای مجازی و اینترنت به شهروندان، کارکنان و کارمندان موسسات و سازمان‌های دولتی و فرهنگ‌سازی آن در میان کاربران، افزایش و ارتقای سطح دانش و آگاهی مردم از فضای مجازی برای اینکه این فعالیت‌ها در چارچوب اسلام قرار گیرند، چاره‌ای نیست که افراد متخصص در قالب فعالیت‌های فرهنگی، احکام شرعی اعمال در فضای مجازی را به شهروندان و کاربران آموزش دهند و در این مورد مبانی و موازین استنباط احکام شرعی اعمال الکترونیکی روشن شود.

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه و شرح: سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام.
- امیدی، مهدی، (۱۳۹۰ش)، نسبت عدالت و پیشرفت با رویکرد به اندیشه اسلامی، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات همشهری.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- همان، (۱۴۰۴ق)، مطارح الأنظار، قم: موسسه آل البيت(ع).
- بحرانی، یوسف‌بن احمد، (۱۴۰۵ق) الحدائق الناضرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲۳.
- برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱.
- بهبهانی، آقا محمد علی بن وحید، (۱۴۲۱ق)، الفوائد الحائریه، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- بهبهانی، محمدباقر، (۱۴۱۹ق)، الرسائل الفقهیة، قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.
- جزائری، نورالدین، (بی‌تا)، فروق اللغات، بی‌جا: بی‌نا.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۴ش)، فقیهان و زمان و مکان، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۸ق)، الصحاح، بیروت: بی‌نا، ج ۶.
- حائری اصفهانی، محمدحسین، (۱۴۰۴ق)، الفصول الغرویة، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت(ع)، ج ۱۵ و ۲۸ و ۲۹.

- حصیرچی، امیر و عباس نیاوند، (۱۳۹۰ش)، «تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)»، مطالعات راهبرد بسیج. ش ۵۰، ص ۸۲ - ۵۱.
- حلی، حسن بن یوسف، (بی تا)، تحریر الاحکام، بی جا: آل البيت (ع)، ج ۲.
- همان، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ج ۹ و ۱۰.
- حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دارالفکر المعاصر، ج ۸.
- خورسندیان، محمدعلی و قادر شنیور، (۱۳۹۲ش)، «واکاوی مبانی فقهی و حقوقی جواز انعقاد نکاح در فضای سایبر»، مجله فقه و حقوق اسلامی، ش ۶، ص ۸۴-۵۵.
- صدر، سید محمدباقر، (بی تا)، بحوث فی علم الاصول، بی جا: بی نا، ج ۴.
- همان، (۱۴۱۸ق)، دروس فی علم الاصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۹ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱۱.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، «الأمالی»، قم: دار لثقافة.
- همان، (۱۴۱۷ق)، العدة فی اصول الفقه، قم: چاپخانه ستاره، ج ۱.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة، قم: انتشارات داوری، ج ۵.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید، ج ۱.
- عباسی، مجید و حسین مرادی، (۱۳۹۴ش)، جنگ سایبر از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه، مجلس و راهبرد، ش ۸۱، ص ۶۸-۳۷.
- مامقانی، محمد حسن بن الملا عبداللّه، (۱۳۱۶ق)، غایبة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، ج ۱.
- مجتهد تبریزی، صادق بن محمد، (۱۳۱۷ق)، المقالات الغریبة فی تحقیق المباحث الاصولیة، تبریز: مطبعه مشهدی اسدآقا.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، (۱۴۳۰ق)، قوانین الاصول، قم: احیاء الکتب الاسلامیه، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، بی جا: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱ و ۴.
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ج ۶۷.
- مجمع فقه اهل البيت، (۱۴۲۳ق)، قواعد اصول الفقه، قم: المجمع العالمی لاهل البيت (ع).
- مراغی، سید میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
- مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۷۴ش)، اصطلاحات الاصول، قم: الهادی.

- مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ج ۹.
- مظفر، محمدرضا، (۱۴۳۰ق)، أصول الفقه، قم: طبع انتشارات اسلامی، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- همان، (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیة، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱.
- موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، صحیفه نور، نسخه الکترونیکی از کتابخانه دیجیتال قائمیه، بی جا: بی نا، ج ۲۰ و ۲۱.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد، (۱۴۲۷ق)، رسائل المیرزا القمی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲۹ و ۳۹.
- نراقی، مولی محمد بن احمد، (۱۴۲۲ق)، مشارق الأحکام، قم: کنگره نراقیین.
- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان های البرز و همدان، (بی تا)، مطالعه و تدوین خدمات الکترونیکی شهر الکترونیک البرز و همدان، بی جا: بی نام

ریکویزی

رسد

پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

ریپورت